

نقد نظریه سها درباره سیطره مردان بر زنان بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء از دیدگاه مفسرین فریقین

مریم مسعودی^۱

^۱ دانش‌پژوه حوزه علمیه

چکیده

در طول تاریخ، مفاهیم جنسیتی و نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در خانواده و جامعه، موضوع بحث و بررسی گسترده‌ای بوده است و نقش و حقوق زنان در خانواده و جامعه همواره مورد توجه و پژوهش‌های مختلف قرار گرفته است. یکی از مباحث مهم و پُرچالش در این زمینه، تفسیر آیات قرآنی مرتبط با روابط زن و مرد است. این مقاله به نقد نظریه "سها" در مورد آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته است که برتری مردان بر زنان را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این نظریه، دلایلی برای سلطه مردان بر زنان ذکر شده است: برتری ذاتی و مسئولیت مالی آنان و پرداخت نفقه نوعی خفت و تحقیر برای زنان است. با استناد به مبانی علمی و انسانی، استدلال می‌شود که برتری و سلطه مردان بر زنان به هیچ عنوان سخن قرآن نیست و تفاوت‌های جنسیتی دلیلی برای ستم به زنان محسوب نمی‌شود. با بررسی لغات "قوم" و "قوم" و با تکیه بر نظرات لغت‌شناسان، تبیین می‌شود که این واژه‌ها به معنای سلطه و اختیار نیستند؛ بلکه مسئولیت و مراقبت از زنان را تداعی می‌کنند. با استناد به احادیث و آموزه‌های اسلامی، قوامیت مردان را به عنوان یک مسئولیت و نه امتیاز ویژه معرفی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر سلطه‌گرایانه از آیه ۳۴ سوره نساء در تعارض با اصول عدالت و برابری در اسلام است. و این مقاله به دنبال ارائه الگویی برای روابط خانوادگی عادلانه و حمایت از استقلال زنان در جامعه اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: آیه ۳۴ سوره نساء، قوامون، سیطره، حفظ کرامت زن، سها، مفسرین فریقین.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی شریعت اسلام، حاوی آیاتی است که همواره مورد توجه مفسران و متفکران در طول تاریخ بوده است. آیه ۳۴ سوره نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» یکی از محوری‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین متون دینی در حوزه روابط جنسیتی است. این آیه، مبنای تفسیری برای نظریه‌پردازی چون «سُها» قرار گرفته است تا با استناد به آن، مدل خاصی از سیطره مردان بر زنان را تئوری‌زده و توجیه نمایند.

ضرورت پرداختن به این موضوع نیازمند نقد و بازخوانی دقیق است. پاسخگویی به شبهات معاصر؛ نظریاتی مانند نظریه سُها، با برجسته‌سازی انحصارگرایانه یک تفسیر از آیه ۳۴ در سطح جامعه و خانواده‌ها، به عاملی برای تثبیت ساختارهای قدرت ناعادلانه تبدیل می‌شوند. بنابراین، ارائه یک نقد مستدل و روش‌مند، نه تنها از ساحت تفسیر قرآن دفاع می‌کند؛ بلکه راه را برای ارائه تصویری عادلانه از نقش زن و مرد در اسلام می‌گشاید.

اهمیت این پژوهش در آن است که به طور مستقیم به مبانی نظری یکی از مهم‌ترین چالش‌های فکری در فقه و مطالعات اسلامی معاصر می‌پردازد. تحلیل دقیق آیه ۳۴ و نقد تفاسیر افراطی مانند نظریه سُها، کلید اصلی برای درک سازوکارهای قدرت درون خانواده و جامعه اسلامی است. دستیابی به یک فهم همه‌جانبه از «قومیت» که متوازن‌کننده مسئولیت‌ها، حمایت‌های متقابل، و نه صرفاً سیطره، باشد، برای تحقق اهداف کلان اسلامی نظیر «حیاه طیبه» (زندگی پاک و نیکو) و برقراری عدالت اجتماعی ضروری است.

در بیان پیشینه این موضوع پایان‌نامه بررسی و نقد دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران اسلامی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء از حامد مصطفوی فرد، نگارنده قومیت مرد را در راستای مدیریت وی تبیین کرده است. در تحلیل مفهوم نشوز زن، نگارنده به بیان مفهومی جدید از نشوز زن (خیانت کردن) می‌پردازد. در تحلیل چگونگی مقابله با نشوز نگارنده، "ضرب" را در قالب زدن ملایم توسط همسر، برای نشان دادن توان مدیریتی، در راستای حفظ بنیان خانواده تبیین می‌کند. مقاله مقایسه خوانش زنانه با تفسیر مردانه پیرامون مسأله قومیت در آیه ۳۴ سوره نساء از متینه السادات موسوی، مهرداد عباسی و مهدی مهریزی که به دنبال اینکه قومیت برای مردان فضیلتی محدود و مشروط است به منظور ایفای مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی در حمایت از حقوق زنان است و معانی برتری و سیطره بر زنان سوءبرداشت‌هایی بیش نیست. مقاله آیه ۳۴ سوره نساء: تفسیر تطبیقی فضل الرحمن و خامنه‌ای، از اسماعیل دانش و رخسانه دانش، یافته‌های این مطالعه اینکه هر دو دانشور، با وجود تفاوت در مبانی و روش‌ها، اتفاق نظر دارند که زن و مرد نسبت به یکدیگر برتری ذاتی ندارند. اختلاف‌نظرشان این است که فضل الرحمن بر نقش اقتصادی مردان تأکید دارد و بر این باور است که با شرکت زن در تأمین هزینه زندگی، برتری مرد کاهش می‌یابد. خامنه‌ای قومیت را ناشی از تفاوت‌های طبیعی و مکمل بودن زن و مرد می‌داند و اعتقاد دارد که مردان، بدون برتری ذاتی، مسئولیت تأمین معیشت خانواده را بر عهده دارند.

این مقاله به نقد نظریه «سُها» می‌پردازد که با عدم علم و عدم آگاهی به آیات و روایات تفسیرنادرستی از این آیه، بر سلطه مردان بر زنان در خانواده و جامعه تکیه دارد. این مقاله با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، ابتدا به جمع‌آوری و بررسی منابع معتبر شامل کتب تفسیر، مقالات علمی و پژوهش‌های پیشین پرداخته و اطلاعات مورد نیاز را استخراج می‌کند. سپس با رویکرد

توصیفی و تحلیلی، به تحلیل محتوای آیه مورد بحث پرداخته و با توجه به دیدگاه‌های مختلف، به نقد و بررسی آن می‌پردازد. آیه ۳۴ سوره نساء، «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، به عنوان یکی از آیات مورد استناد در بحث برتری مرد بر زن مطرح شده است. این آیه، با ذکر دلایلی مانند فضیلت و قوامیت مردان نسبت به زنان تأکید می‌ورزد. با این حال، تفسیر و کاربرد این آیه در طول زمان، و به ویژه در نظریه‌های نوین، با چالش‌های تفسیرشناختی و اجتماعی مواجه شده است.

۱- مفهوم شناسی

قَوْمٌ: قاف، واو، میم (ق-و-م): ایستادن (قیام): ریشه اصلی واژه "قوم" به معنای ایستادن است. این ایستادن می‌تواند به صورت جسمی (ایستادن در مقابل نشستن) یا به صورت معنوی (ایستادگی، پایداری، عزم) باشد. (راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۹۰؛ احمدبن فارس، ۱۴۰۴، ۴۳/۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۷/۱۴۱۵، ۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۳۱/۵).

عزم و اراده: "قام" به معنای عزم و اراده برای انجام کاری نیز به کار می‌رود. (ابن منظور، بی تا، ۴۹۶/۱۲؛ احمدبن فارس، ۱۴۰۴، ۴۳/۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۷/۱۴۱۵، ۴). ۳. ثبات و استواری: "قیام" به معنای ثبات و استواری در یک مکان یا موقعیت نیز به کار می‌رود (ابن منظور، بی تا، ۴۹۶/۱۲؛ فیروزآبادی، ۱۳۷/۱۴۱۵، ۴).

جماعت و گروه: مردان و زنان: "قوم" به معنای جماعت و گروهی از انسان‌ها، اعم از مردان و زنان، به کار می‌رود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵۹۰/۱۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۱۴۱/۶).

مردان (با تبعیت زنان): در برخی کاربردها، "قوم" به مردان اطلاق می‌شود؛ اما شامل زنان نیز به عنوان زیرمجموعه و پیرو می‌گردد. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵۹۰/۱۷؛ زمخشری، ۵۲۸/۱۳۹۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۳۱/۵؛ حماد، ۱۴۰۴، ۲۰۱۶/۵).

ریشه و بنیاد: "قوم" نه فقط جمع؛ بلکه بنیاد و ریشه‌ای استوار برای یک جامعه است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۶۹۰).

مسئولیت و سرپرستی (قوام): قوام بر زنان و اجتماع: "قوم" به معنای "قوام" بر زنان و اجتماع است و به مسئولیت اجتماعی مردان در نظارت بر حقوق و مسئولیت‌های زنان اشاره دارد (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵۹۰/۱۷).

در تفسیر آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، لغت‌شناسان مختلف معانی «نگهبان و مسئول» را برای «قوامون» ذکر می‌کنند؛ اما این «نگهبانی و مسئولیت»، به معنای سلطه و اختیار نیست؛ بلکه به معنای حمایت، مراقبت و تأمین نیازهای زنان در چارچوب یک رابطه عادلانه و برابر است.

مرتضی زبیدی «قوام» را به «مسئولیت اجتماعی مردان برای نظارت بر حقوق و مسئولیت‌های زنان» نسبت می‌دهد، و بر مسئولیت متقابل افراد جامعه تأکید می‌کند. این دیدگاه، «قوام» را نه به عنوان ابزار سلطه، بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی متقابل تفسیر می‌کند. راغب اصفهانی «قیام» را به انواع مختلف (قیام تسخیر، قیام انتخابی، قیام حفظ و نگهداری، قیام اراده) تقسیم می‌کند. این تنوع در معانی «قیام» نشان می‌دهد که «قیام» یک مفهوم پویا و چندوجهی است و نمی‌توان آن را صرفاً به معنای سلطه و اختیار تفسیر کرد.

۲- دیدگاه مفسرین فریقین در مورد سیطره مردان بر زنان

از دیدگاه فضل الرحمان، مفاد آیه ۳۴ سوره نساء این است که مردان نسبت به زنان برتری کارکردی دارند نه برتری ذاتی؛ مردان مسئول کسب درآمد و صرف آن برای زنانند. قرآن غالباً از برتری برخی مردان در ثروت و قدرت و نیز برتری پیامبران بر دیگران سخن می‌گوید و این برتری ذاتی نیست، بلکه کاملاً کارکردی است. اگر زنی به واسطه کسب درآمد یا به دست آوردن ارثیه از نظر اقتصادی مستقل شود و در هزینه‌های زندگی مشارکت داشته باشد، برتری مرد خانه به همان نسبت کم خواهد شد؛ زیرا او به‌عنوان یک انسان هیچ برتری‌ای بر همسرش ندارد. از دیدگاه فضل الرحمان زن و مرد از نظر دینی کاملاً باهم برابرند. علاقه‌بندی، عباسی، (۱۴۰۰). مبانی و پیش‌فرض‌های فضل الرحمن در کتاب مضامین اصلی قرآن، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۴(۲)، صص ۱۸۷-۲۱۱. <https://doi.org/10.30497/quran.2021.239992,3186/10.30497>

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه مورد بحث توضیح می‌دهد که مسئولیت سرپرستی خانواده برعهده مرد است. مرد موظف است با کار و تلاش نیازهای مالی خانواده را تأمین کند، درحالی‌که دارایی زن متعلق به خود اوست و تأمین معیشت برعهده او نیست. او تأکید می‌کند که این آیه به معنای لزوم اطاعت کامل زن از مرد در همه امور و به معنای سلطه مرد یا تبعیت بی‌قید و شرط زن از مرد نیست. زن و مرد در زندگی مشترک به‌عنوان دو شریک و همراه عمل کنند و برای حفظ تعادل و پایداری خانواده، هرکدام باید در مواقع لازم از بخشی از خواسته‌های خود گذشت کنند. این نگاه تعاملی و متعادل میان زن و مرد پایه‌ای برای زندگی مشترک موفق است و با طبیعت انسانی و آموزه‌های دینی نیز سازگاری کامل دارد، زیرا زن و مرد تفاوت‌های طبیعی دارد. زن براساس طبیعت و ظرافتی که دارد کارهای سنگین را نمی‌تواند انجام بدهد. انجام کارهای سنگین که با طبیعت و ظرافت زنانگی سازگار نیست نباید زن انجام دهد. حق کار و تأمین معیشت برعهده شوهر است. بنابراین چه زن کار کند و درآمد مالی داشته باشد یا درآمد مالی نداشته باشد زن و مرد نسبت به یکدیگر برتری ندارند؛ مرد مسئول تأمین معیشت زن است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ۲۸ شهریور). بیانات در جلسه با جوانانی که تازه ازدواج کرده بودند. <https://khl.ink/f/21431>

از دیدگاه فضل الرحمان، مردان نسبت به زنان برتری کارکردی دارند و چون هزینه زندگی و معیشت زن را مرد تأمین می‌کند باید زن از مرد تبعیت کند و اگر زن هزینه زندگی را تأمین کند به همان اندازه برتری مرد خانه کم می‌شود. طبق دیدگاه خامنه‌ای، برتری کارکردی مطرح نیست؛ همه‌جا نباید زن از مرد تبعیت کند و یا مرد از زن تبعیت کند، زیرا زن و شوهر دو شریک و دو تار فیک هستند؛ یکجا مرد کوتاه بیاید و یکجا زن کوتاه بیاید تا بتوانند باهم زندگی کنند. پدره، میرخانی، و شاکری گلپایگانی، (۱۳۹۹)؛ صص ۹-۳۵، ۱۹۳۲، ۲۳۲۷۳، ۲۰۲۰، ۲۲۰۵۱/ <https://doi.org/10.22051/iwfs.2020.23273,1932,35-9>. این عبارت در واقع ناظر به تبیین حکمی است که قلمرو آن به روابط زوجیت و شیوه تعامل در فضای خانواده اختصاص دارد. افزون بر این، حکمی است که دامنه و حدود آن تابع علت تشریحی خویش است؛ علتی که همان قیومیت مرد بر زن در چارچوب نظام زوجیت به شمار می‌آید. بر این اساس، لزوم اطاعت زن از شوهر، ناظر به همین محدوده خاص است و بر زن واجب می‌گردد که شوهر خویش را در تمامی اموری که به شؤون همسری بازمی‌گردد، رعایت کرده و حقوق مربوط به این رابطه را حفظ نماید. به بیان دیگر، همان‌گونه که قیومیت نوعی مردان بر نوعی زنان در ساختار اجتماعی بشر، صرفاً به حوزه‌هایی مربوط می‌شود که ماهیتی عمومی دارند و زنان و مردان در اصل آن‌ها مشترک‌اند، و از آن رو به مردان واگذار شده که مستلزم توان عقلانی گسترده‌تر و نیروی اجرایی بیشتری است مانند اداره سیاسی، قضاوت حقوقی و امور دفاعی و نظامی این قیومیت هیچ‌گونه تعارضی با

استقلال زن در اراده شخصی و کنش فردی او ندارد. از این رو، چنین جایگاهی برای مرد، مجوز دخالت در علایق، انتخاب‌ها یا رفتارهای فردی زن به شمار نمی‌آید و مرد حق اعتراض به ترجیحات شخصی زن یا افعال فردی او را ندارد، مگر در مواردی که زن به امر ناپسند گرایش پیدا کند یا مرتکب رفتار خلاف معیارهای شرعی و اخلاقی شود. این معنا به روشنی با تصریح قرآن کریم تأیید می‌شود، آنجا که آزادی زن در تصرفات شخصی خود در چارچوب معروف مورد تأکید قرار گرفته و هرگونه مداخله ناروا نفی شده است؛ چنان که می‌فرماید: *فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ* (بقره، ۲۳۴). افزون بر این، سرپرستی مرد نسبت به همسر خویش به هیچ‌وجه به معنای محدود ساختن آزادی اراده زن یا سلب اختیار او در تصرف و تصمیم‌گیری درباره اموالی که مالک آن‌هاست، تلقی نمی‌شود. همچنین مقصود از این سرپرستی آن نیست که زن استقلال خود را در صیانت از حقوق فردی و اجتماعی، یا توانایی دفاع از منافع مشروع خویش از دست بدهد. بر این اساس، زن همچنان واجد استقلال حقوقی و آزادی عمل است؛ به گونه‌ای که می‌تواند حقوق شخصی و اجتماعی خود را حفظ نماید، از آن‌ها دفاع کند و در مسیر دستیابی به این اهداف، از شیوه‌ها و مقدماتی که به تحقق مقاصد وی می‌انجامد، استفاده نماید. مراد از سرپرستی مرد آن است که چون تأمین مخارج زندگی زن از دارایی خویش بر عهده او نهاده شده است و در برابر، از بهره‌مندی مشروع زناشویی برخوردار می‌گردد، بنابراین بر زن لازم است در تمامی امور مرتبط با بهره‌گیری جنسی و روابط همسری، از شوهر خویش پیروی نماید. همچنین وظیفه دارد حیثیت و عفت خانوادگی او را در دوران غیبتش پاس بدارد، به گونه‌ای که در نبود وی، هیچ مرد بیگانه‌ای را به بستر خود راه ندهد و اجازه بهره‌مندی از زیبایی‌های بدنی خویش که اختصاص به همسر دارد به نامحرمان ندهد. افزون بر این، نباید در اموالی که شوهر در چارچوب پیوند زناشویی و زندگی مشترک در اختیار او نهاده و اختیار مصرف آن را به وی سپرده است، مرتکب خیانت شود. بر این اساس، مفهوم آیه مورد نظر چنین خواهد بود که زنان مسلمان شایسته است منش شایستگی و درستکاری را پیشه سازند؛ زیرا در صورت التزام به این خصلت، به طور طبیعی در شمار زنان فرمانبردار قرار خواهند گرفت، یعنی پیوسته و همواره در اموری که همسرانشان از آنان انتظار دارند در محدوده آنچه به حقوق زناشویی مربوط است از ایشان اطاعت می‌کنند، و نیز بر آنان واجب است که در نبود شوهر، خویششان را در تمامی اموری که به حقوق همسرانشان بازمی‌گردد، محافظت نمایند. (طباطبایی، المیزان، ج ۴). در تبیین مفهوم قیومیت مرد و تعیین حوزه شمول آن، میان مفسران و فقها دو رویکرد کلی قابل شناسایی است. بر اساس دیدگاه نخست، قیومیت به معنای ولایت و تسلط حقوقی مرد بر زن تلقی شده و دامنه آن نه تنها روابط خانوادگی، بلکه عرصه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. در میان مفسران اهل سنت، زمخشری در الکشاف چنین برداشت می‌کند که مقصود از «قوامون» آن است که مردان از طریق سازوکار امر و نهی، نوعی اشراف و سیطره بر زنان داشته باشند؛ به گونه‌ای که این رابطه با مناسبات میان والیان و زمامداران با رعیت قابل مقایسه است. (زمخشری، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۴۹۵). فخر رازی در تفسیر این آیه، صرفاً به بیان اصل ترجیح و برتری مردان اکتفا کرده و تصریح می‌کند که وجه این برتری آن است که مردان به عنوان «قوامون بر زنان» قرار داده شده‌اند و همین شأن، مبنای امتیاز آنان بر زنان تلقی می‌شود. (فخر رازی، بی تا، ج ۱۰: ۸۷). افزون بر این، طبری، در اثر خود از ابن عباس نقل می‌کند که مقصود از واژه «قوامون» همان «امیران و حاکمان» است؛ به این معنا که مردان در جایگاه تدبیر و سرپرستی زنان قرار دارند و بر اساس فرمان الهی، زنان موظف به پیروی از همسران خویش در چارچوب دستور خداوند هستند. (طبری، بی تا، ج ۸: ۲۹۰). آیه شریفه ناظر به سرپرستی مرد نسبت به همسر خویش در چارچوب نهاد خانواده است؛ باین حال، برخی مفسران با استناد به اطلاق علت و عمومیت دلیل نخست، یعنی تعبیر «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ»، قلمرو قیومیت را به حوزه خانواده محدود ندانسته‌اند. آنان بر این باورند که مراد از این تفضیل الهی، برتری‌هایی در توان عقلانی مردان و لوازم و فروع مترتب بر آن از قبیل قدرت تدبیر، توان رزمی، تحمل سختی‌ها و قابلیت انجام امور سنگین و دشوار است. بر پایه این مبنا، قیومیت به عرصه‌های عمومی‌ای که زن و مرد به نحو مشترک در آن حضور دارند، همچون حکومت، قضاوت و سایر مسئولیت‌های کلان اجتماعی نیز تسری می‌یابد؛ بدین معنا که تصدی ریاست و مدیریت این امور، بر اساس این تفسیر، بر عهده مردان قرار داده شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۴

(۵۵۲). پیوند زن و مرد، نوعی اجتماع طبیعی است نه حاصل یک قرارداد اعتباری؛ از این رو، سنجش و قیاس آن با اجتماع مدنی قیاسی نادرست و غیرمنطقی است. در این ساختار طبیعی، سرپرستی مرد نسبت به زن ریشه در نظم تکوینی دارد و نه در قرارداد یا جعل انسانی. بدین معنا که حقوق و وظایف هر یک از زن و مرد به اقتضای ساختار وجودی و طبیعت آنان تعیین شده است. بنابراین، آیه مورد بحث در مقام تبیین واقعیتی طبیعی در نظام خانوادگی است و نمی‌توان آن را ناظر به سلطه یا حاکمیت مردان بر زنان در عرصه اجتماع دانست. در نتیجه، قوامیت مرد در محیط خانواده نه نشانه سلب شایستگی از زن است و نه دلالت بر ناتوانی یا عجز ذاتی او دارد، بلکه بیانگر تقسیم نقش‌ها بر پایه ساختار طبیعی و متناسب با ظرفیت‌های وجودی هر یک است. (مطهری، مجله پیام زن، شماره ۲۶ : ۲۲). این معنا هرگز دلالت بر آن ندارد که زن در موقعیت اسارت قرار گیرد یا مرد در جایگاه قیم مطلق و فرمانروایی بی‌قیدوبند واقع شود که بتواند بر اساس میل شخصی خویش رفتار کند. چنین برداشتی نه از مفاد این تکلیف فهمیده می‌شود و نه در چارچوب تعالیم اسلامی قابل دفاع است. اسلام به هیچ وجه حکم یک‌سویه‌ای صادر نکرده که مرد را صاحب اختیار مطلق بداند و او را به انجام هرگونه رفتاری مجاز بشمارد؛ بلکه دو حکم الزام‌آور و متقابل را در کنار یکدیگر قرار داده است. از یک سو، زن را در برابر همسر به رعایت اصل تمکین موظف می‌کند و از سوی دیگر، مرد را در قبال زن مکلف به پذیرش مسئولیت سرپرستی می‌داند. این دو حکم، ناظر به تبیین وظایف و سامان‌دهی مناسبات در نهاد خانواده‌اند و هیچ‌یک نه ملاک برتری ارزشی به شمار می‌آیند و نه مستلزم کاستی یا نقصان در شأن انسانی طرف مقابل هستند. (جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۹۱).

۳- تناقض در دیدگاه‌های محدود کننده و ابهام در تفکیک جنسیتی

در دیدگاه لغت‌شناسانی که "قوم" را عمدتاً به مردان اطلاق می‌کنند، نوعی تناقض و ابهام در تفکیک جنسیتی وجود دارد. برای مثال، زمخشری در حالی که "قوم" را به معنای "جمع مردان" می‌داند، به اشعاری اشاره می‌کند که در آن‌ها ابهام در تشخیص جنسیت وجود دارد (آیا اینان مردان هستند یا زنان؟). این نشان می‌دهد که حتی در دیدگاه‌های محدود کننده نیز نمی‌توان "قوم" را به طور کامل از زنان جدا کرد. آیه ۳۴ سوره نساء برتری صریح شوهر بر زن را مطرح کرده است. در این آیه می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان (شوهران) صاحب اختیار زن‌اند به دلیل آنکه خدا بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند». در این آیه دودلیل برای برتری و صاحب اختیار بودن شوهران بر زنان ذکر شده است. اول اینکه این برتری مرد بر زن خواست خداست. دوم اینکه چون مردان، خرج زندگی زنان را می‌دهند، پس باید صاحب اختیار زنان باشند این دو دلیل هر دو باطل هستند. اولاً از نظر علمی و انسانی مرد وزن برابرند و تفاوت‌های جنسی دلیلی بر برتری خلقت یکی بر دیگری نیست. دوم آنکه صرف خرجی دادن دلیل برتری نمی‌شود. بعلاوه دادن نفقه‌ی زن توسط مرد، خفت‌تحمیلی دیگری است برای زن. کسانی نان خور دیگری‌اند که ناتوان و ضعیف باشند مثل اسیران، کودکان، زندانیان و بردگان. زنان هیچ‌کدام از اینان نیستند و خود قادر به کار و بدست آوردن مخارج خود و حتی فرزندانشان هستند. چنانچه وضعیت زنان در جهان امروز این امر را ثابت کرده است.

بنا به نظریه سه‌ایه مواردی مطرح شده است که بیانگر توهین به زن هست:

۱- برتری مردان بر زنان (قوامیت): قوامیت مردان بر زنان (صاحب اختیار بودن) بر اساس دو دلیل مطرح شده در آیه؛ یعنی برتری ذاتی مردان و پرداخت نفقه توسط آن‌ها، باطل است و با استناد به علم و حقوق انسانی، برابری ذاتی مرد و زن را مطرح می‌کند و تفاوت‌های جنسیتی را دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نمی‌داند.

۲- پرداخت نفقه به عنوان خفت تحمیلی: این آیه به عنوان یک "خفت تحمیلی" برای زنان است و آن را با وضعیت اسیران، کودکان، زندانیان و بردگان مقایسه می‌کند و نفقه را نه به عنوان یک حق مالی برای زنان، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقیر و کنترل آن‌ها تلقی می‌کند. این دیدگاه، با تأکید بر توانایی زنان در کسب درآمد و استقلال مالی، نفقه را به عنوان یک نیاز غیرضروری و تحقیرآمیز معرفی می‌کند.

در واقع این آیه منجر به ظلم‌های زیر در حق زنان شده است:

سلب استقلال و اختیار: زنان را به عنوان افرادی وابسته و فاقد حق تصمیم‌گیری مستقل معرفی می‌کند.

تحقیر و تبعیض: مقایسه زنان با گروه‌های آسیب‌پذیر مانند اسیران و بردگان، نشان‌دهنده تحقیر و تبعیض جنسیتی است. نادیده گرفتن توانمندی‌ها: توانایی زنان در کسب درآمد و استقلال مالی را نادیده می‌گیرد و آن‌ها را به عنوان افراد نیازمند و وابسته معرفی می‌کند. ایجاد نابرابری در روابط خانوادگی: با تأکید بر قوامیت مردان، روابط خانوادگی را به صورت نابرابر و سلطه‌گرایانه ترسیم می‌کند.

۴- نقد نظریه اول

در این مرحله، به بررسی جامع و دقیق واژه "قوم" پرداخته می‌شود.

استناد به آیات قرآن و اصول عدالت

آیه "لا یسخر قوم من قوم" (حجرات، ۱۱) به صراحت هرگونه تحقیر و استهزاء را منع می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ گروهی (از جمله مردان) حق ندارد گروه دیگر (از جمله زنان) را تحقیر کند و خود را برتر از آن‌ها بداند. آیات مربوط به مشورت، عدالت و احترام متقابل در روابط خانوادگی، همگی با دیدگاه سلطه‌گرایانه در تضاد هستند. با توجه به تنوع دیدگاه‌ها، عدم وجود اجماع، تناقضات موجود، تفسیرهای مختلف از "قیام" و "قوم"، و استناد به آیات قرآن و اصول عدالت، می‌توان اینگونه تحلیل کرد که:

هیچ مبنای لغوی معتبری برای اثبات نظریه "مردان (شوهران) صاحب اختیار زنانند" وجود ندارد. پیامبر فرمود: مومنان (زن و مرد) کفو و همتای یکدیگرند، (صدوق، ۱۴۰۴، ۳/۳۹۲).

واژه "قوم" به معنای "جماعت انسانی" است و شامل مردان و زنان می‌شود.

۳- "قوامیت" مردان به معنای "حمایت، مسئولیت و مراقبت" است، نه سلطه و اختیار.

۴- تفسیرهای سلطه‌گرایانه از "قوم" و "قوم" با روح اسلام و اصول عدالت و برابری در تضاد است.

قوامیت: مسئولیت است یا سلطه؟

قوامیت، مسئولیت و تکلیف است، نه امتیاز و برتری

در نگاه اسلامی، قوامیت قبل از هر چیز یک مسئولیت سنگین است که بر دوش مرد نهاده شده است. این مسئولیت در قبال خانواده، زن، و فرزندان است، امام علی (علیه السلام) فرمود: هر مردی درباره کنیزان و خانواده خود بازخواست می‌شود، (آمدی، ۱۴۱۰، ۷۲۵۴).

هدف از قوامیت، حفظ و صیانت از خانواده و ایجاد بستری امن و آرام برای رشد و تعالی اعضای آن است. قوامیت به معنای امتیاز ویژه و حق سلطه بر زن نیست؛ بلکه به معنای تکلیفی الهی است که مرد باید آن را با دقت، عدالت و مهربانی به انجام برساند.

نگاهبانی، حفظ کرامت و ارزش زن

پیامبر خدا فرمود: برادرم جبرئیل برایم خبر می‌آورد و همیشه مرا به زنان سفارش می‌نمود تا آنجا که گمان کردم که جایز نیست که مرد به همسرش اف بگوید، (نوری، ۱۴۰۸، ۲۵۲/۱۴).

محافظت از زن در برابر آسیب‌های مادی و معنوی است. این شامل تامین امنیت جسمی، روانی، و اجتماعی زن می‌شود.

حفظ کرامت و ارزش زن در جامعه و خانواده است. مرد باید از زن در برابر تهمت‌ها، سوء استفاده‌ها، و تبعیض‌ها دفاع کند.

ایجاد محیطی امن و آرام برای زن است تا او بتواند استعدادهای خود را شکوفا کند و در جهت رشد و تعالی خود و خانواده گام بردارد.

سرپرستی، مدیریت مدبرانه و مشورت با زن: پیامبر خدا فرمود: نشستن مرد در کنار خانواده اش نزد خداوند متعال دوست داشتنی تر از اعتکاف در این مسجد من است، (ورام، بی تا، ۶/۱).

این حدیث، نقش خانواده را به عنوان یک نهاد مقدس و بنیادی برجسته می‌کند. تاکید بر "نشستن در کنار خانواده" به جای صرفاً "عبادت در مسجد"، بر اهمیت تعاملات انسانی و محبت خانوادگی در نزد خداوند می‌پردازد. این حدیث، مرد را به تعهد و مسئولیت در قبال خانواده‌اش فرا می‌خواند، و این تعهد را به همان اندازه، یا حتی بیشتر از عبادت‌های فردی، ارزشمند می‌داند. این موضوع، نقش مرد را در خانواده به عنوان یک همراه، یک پشتیبان و یک دوست، به جای یک سلطان یا حاکم، برجسته می‌کند. در نهایت، این حدیث بر اهمیت تعادل بین مسئولیت‌های اجتماعی و شخصی و نیز نقش اساسی خانواده در زندگی انسان‌ها تأکید دارد.

مدیریت امور خانواده با درایت، حکمت و مشورت است. این شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، و حل مشکلات خانواده می‌شود. پیامبر خدا فرمود: به یقین زنان همتایان مردان هستند، (جزری، ۱۳۶۷ ش، ۴۹۲/۲). این حدیث، زن را به عنوان موجودی توانمند و هم‌تراز مرد در مدیریت خانواده به رسمیت می‌شناسد. پیامبر اکرم (ص) نقش زن را در مدیریت امور خانواده به عنوان یک شریک و همکار قدرتمند و نه صرفاً به عنوان یک عنصر تابع، تاکید می‌کند.

این عبارت، به معنای توانمندی ذاتی زن در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و حل مشکلات است. زن می‌تواند با بهره‌گیری از درایت، حکمت و مشورت، در کنار مرد، به مدیریت خانواده کمک کند و در تصمیم‌گیری‌ها، نقش کلیدی داشته باشد. این امر، به معنای توانایی زن در درک نیازهای خانواده، ارائه راهکارهای خلاقانه و مشارکت فعال در فرآیند مدیریت است. این دیدگاه، از نگاهی منفی به نقش زن به عنوان یک موجود ضعیف و وابسته، به دیدگاهی مثبت و توانمندانه تغییر می‌یابد.

مشورت با زن در تمام امور خانواده مهم است. زن نیز باید در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کند و نظر خود را بیان کند. پیامبر خدا فرمود: با زنانان در امور مربوط به دخترانتان مشورت کنید، (پاینده، ۱۳۸۲ ش، ۱۵۶). مشورت با زن در تمام امور خانواده، و به‌ویژه در امور مربوط به دختران، نشان‌دهنده‌ی احترام و کرامت زن در اسلام است. این امر، زن را از جایگاه یک

فرد منفعل و صرفاً تابع به جایگاه یک شریک و مشاور در تصمیم‌گیری‌ها ارتقا می‌دهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با تأکید بر مشورت با زن در امور مربوط به دختران، به صراحت، اهمیت نظر و دیدگاه زن در خانواده و جامعه را برجسته می‌کند. این رویکرد، کرامت زن را به عنوان فردی با خرد و بینش مستقل، که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها نقش مؤثری داشته باشد، به رسمیت می‌شناسد. این مشورت، نه تنها به تصمیم‌گیری‌های عاقلانه‌تر و بهتر منجر می‌شود، بلکه به رشد و تکامل شخصیتی زن نیز کمک می‌کند و احساس مسئولیت و مشارکت را در او تقویت می‌کند. همین امر، می‌تواند منجر به ایجاد تعادل و هماهنگی در خانواده و جامعه شود.

-عدالت و انصاف در برخورد با زن و سایر اعضای خانواده بسیار مهم است. مرد باید به حقوق همه احترام بگذارد و از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی پرهیز کند. خداوند فرمود: یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباہ نمی‌کنم. (آل عمران: ۱۹۵). مرد و زن دو مصداق از یک حقیقت واحدند و به یک ماهیت مشترک تعلق دارند؛ ماهیتی که از آن با عنوان «انسان» یاد می‌شود. دلیل این امر آن است که تمامی آثار و کارکردهایی که نشان‌دهنده انسانیت‌اند و در گروه مردان مشاهده می‌شوند، به همان صورت در گروه زنان نیز قابل مشاهده‌اند. بدین معنا که اگر صفاتی همچون سخاوت، شجاعت، دانش، خویشتن‌داری و امثال آن در مرد تحقق یافته است، این ویژگی‌ها در زن نیز وجود دارد و در اصل انصاف به این صفات هیچ تفاوتی میان آن دو دیده نمی‌شود. تحقق آثار یک نوع، به‌طور قطعی دلالت بر تحقق خود آن نوع دارد؛ از این رو، زن نیز بی‌تردید داخل در نوع انسان است. البته مرد و زن در برخی از ویژگی‌های مشترک انسانی نه ویژگی‌های اختصاصی، مانند بارداری و نظایر آن از حیث شدت و ضعف دچار تفاوت‌هایی هستند؛ با این حال، اختلاف در درجه برخی صفات انسانی به هیچ‌وجه مستلزم نفی نوعیت انسان یا خروج صنف ضعیف‌تر از قلمرو انسانیت نخواهد بود. (موسوی، ۱۳۷۸، ش، ۱۳۸/۴).

تأمین نیازها، رفع احتیاجات مادی و معنوی زن

-فراهم کردن ضروریات زندگی برای زن و خانواده است. این شامل مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت، و سایر نیازهای مادی می‌شود.

-تأمین نیازها به معنای توجه به نیازهای عاطفی و روانی زن است. مرد باید به زن محبت کند، به او احترام بگذارد، و به او احساس ارزشمندی و دوست داشته شدن بدهد.

-تأمین نیازها به معنای ایجاد فرصت‌های رشد و تعالی برای زن است. مرد باید به زن کمک کند تا در زمینه‌های علمی، فرهنگی، و اجتماعی پیشرفت کند و به اهداف خود برسد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ای مردم! از (مخالفت با فرمان‌های) پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید. (نساء: ۱؛ انصاریان، ۱۳۸۳: ۷۷).

تأمین نیازها به معنای فراهم آوردن زمینه‌ها و فرصت‌های لازم برای رشد و تعالی زنان است. در جامعه‌ای که بر پایه اصول اسلامی بنا شده، هر دو جنس مردان و زنان به عنوان اعضای کلیدی خانواده و جامعه شناخته می‌شوند و مسئولیت‌های خاص خود را بر عهده دارند. یکی از وظایف مهم مردان، تأمین نیازهای زنان است، که باید از طریق خلق محیطی حمایتی و فراهم کردن امکانات آموزشی و اجتماعی، به دست آید. مردان باید نقش مؤثری در کمک به زنان برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف ایفا کنند. این پیشرفت می‌تواند شامل حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی باشد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، مردان باید همسران خود رایاری بدهند که به توانایی‌های بالقوه خود دست یابند. این امر شامل حمایت مالی، فراهم کردن فرصت‌های

آموزشی و ایجاد محیطی امن و حمایتی برای زنان است. همچنین احترام به نظرات و عقاید زنان، و شریک کردن آنها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی، از جمله مسئولیت‌های مردان است.

۵- نقد نظریه دوم

قوامیت به مثابه مسئولیت متقابل: ارائه الگویی برای روابط خانوادگی عادلانه پیامبر فرمود: هر مردی زحمت بکشد و بر عیالش انفاق کند، خداوند متعال به عوض هر درهم، هفتصد برابر به او مرحمت فرماید، (طبرسی، ۱۳۷۰، ۱۵۷/۳).

این حدیث نشان می‌دهد که اسلام مرد را مسئول تامین مالی خانواده می‌داند و برای این کار پاداش معنوی بزرگی در نظر می‌گیرد. این بدان معناست که زن نیازمند نیست، بلکه دریافت‌کننده حمایتی است که شرع برای او در نظر گرفته. در مقابل، زن نیز نقش فعالی در خانه دارد، چه از طریق تربیت فرزندان و چه از طریق مدیریت امور منزل، و این تعامل و تقسیم مسئولیت، اساس یک خانواده عادلانه و متعادل را تشکیل می‌دهد. این رابطه بر پایه احترام متقابل و تقسیم وظایف بنا شده است، نه تحقیر یا سلطه. مسئولیت زنان در تربیت فرزندان و حفظ بنیان خانواده: حضرت زهرا سلام الله علیها با عمل به آنچه می‌فرمود، فرزندان را با عمل و اخلاق اسلامی آشنای ساخت، چنانچه امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: یک شب جمعه دیدم مادرم در محراب عبادت ایستاده و تا طلوع صبح به نماز و دعا مشغول است و برای همه دعا می‌کند، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۱/۴۳).

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با تلفیق قول و عمل، الگویی بی‌نظیر در تربیت فرزندان ارائه داد. عبادت شبانه و دعای ایشان برای دیگران، نشان‌دهنده عمق معنویت و مسئولیت‌پذیری ایشان در قبال جامعه است. این رفتار، نه تنها فرزندان را با ارزش‌های اسلامی آشنا می‌کرد؛ بلکه حس نوع‌دوستی و دغدغه برای دیگران را در آنها پرورش می‌داد. الگوی رفتاری ایشان، بنیان خانواده را بر اساس ایمان، اخلاق و مسئولیت اجتماعی استوار می‌ساخت. عملکرد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در تربیت فرزندان نشان می‌دهد که زن در اسلام نه تنها موجودی خفت‌بار نیست؛ بلکه محور اصلی تربیت و سازندگی خانواده و جامعه است. ایشان با عبادت، دعا و آموزش عملی ارزش‌های اسلامی، نقش رهبری و الگو بودن خود را به بهترین شکل ایفا کرده و نشان دادند که زنان می‌توانند در عین حفظ معنویت و ارزش‌های خود، مسئولیت‌های سنگین تربیتی و اجتماعی را نیز بر عهده بگیرند. این الگو، زن را نه تنها محترم، بلکه مؤثر و قدرتمند در ساختن جامعه‌ای سالم معرفی می‌کند.

مشورت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها

خداوند در قرآن می‌فرماید: اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورتشان بخواهند کودک را (قبل از دو سال) از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست بقره ۲۳۳، (انصاریان، مترجم قرآن). این آیه، گوهری ارزشمند در دل آموزه‌های اسلامی، رویکردی بنیادین در بنیان خانواده و تعاملات زوجین را ترسیم می‌کند. این آیه، فراتر از یک دستورالعمل ساده درباره شیردهی، فلسفه‌ای عمیق درباره مشارکت و تفاهم در تصمیم‌گیری‌های مشترک را بیان می‌کند. در این نگرش، زن و مرد نه دو قطب جداگانه؛ بلکه دو رکن اساسی یک بنای استوار هستند که باید با همفکری و همدلی، مسیر زندگی را طراحی کنند. این آیه نشان می‌دهد که در اسلام، زن نه موجودی منفعل و مطیع؛ بلکه شریکی خردمند و صاحب‌نظر در تمام امور زندگی است. تصمیم‌گیری‌های مربوط به فرزندان، به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی، نمی‌تواند به یک نفر واگذار شود؛ بلکه نیازمند مشارکت فعال و دلسوزانه هر دو والد است. این مشارکت، به معنای تبادل نظر، بررسی جوانب مختلف موضوع، و رسیدن به یک دیدگاه مشترک است که منافع خانواده و فرزندان را در نظر می‌گیرد. اهمیت این نگرش در این است که به والدین احساس مسئولیت مشترک نسبت به

فرزندان می‌دهد و از ایجاد اختلاف و تعارض در تربیت آن‌ها جلوگیری می‌کند. وقتی هر دو والد در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، احساس ارزشمندی و احترام متقابل می‌کنند و روابط آن‌ها تقویت می‌شود. این امر، نه تنها به بهبود کیفیت زندگی خانوادگی کمک می‌کند؛ بلکه فرزندان مسئولیت‌پذیر و توانمند را تربیت می‌کند که در آینده قادر خواهند بود با چالش‌های زندگی به درستی مواجه شوند. این اصل، قابل تعمیم به تمام امور خانوادگی است. هر تصمیمی که بر زندگی خانواده و فرزندان تاثیرگذار باشد، باید با مشورت و توافق هر دو والد اتخاذ شود. این شامل تصمیمات مربوط به تربیت، آموزش، بهداشت، مسائل مالی و غیره می‌شود. با این رویکرد، خانواده به یک محیط سالم و پویا تبدیل می‌شود که در آن، زن و مرد در کنار هم، با عشق و احترام، زندگی را می‌سازند و فرزندان شاد و موفق را پرورش می‌دهند. به این ترتیب، این آیه، تصویری روشن از جایگاه والای زن در اسلام ارائه می‌دهد. زنی که نه تنها محترم و ارزشمند است؛ بلکه شریکی فعال و تاثیرگذار در تمام امور زندگی است. زنی که با خرد و تدبیر خود، به ساختن خانواده‌ای سالم و جامعه‌ای آباد کمک می‌کند.

آیه "الرجال قوامون على النساء" (مردان سرپرست زنان هستند) اغلب به اشتباه به معنای برتری مردان بر زنان تلقی می‌شود؛ اما با دقت در معنای این آیه و در نظر گرفتن سایر آموزه‌های اسلامی، می‌توان به تفسیر درست‌تری رسید. به این معنا که مرد وظیفه دارد از خانواده خود مراقبت کند، نیازهای مالی آن‌ها را برآورده کند و امنیت آن‌ها را تامین کند. این مسئولیت به این دلیل به مردان داده شده است که معمولاً از نظر جسمی و اقتصادی توانمندتر هستند؛ اما این به معنای آن نیست که مرد حق دارد به زن زور بگوید یا او را تحقیر کند. برعکس، مرد وظیفه دارد با همسر خود با احترام و محبت رفتار کند، در تصمیم‌گیری‌های مهم با او مشورت کند و حقوق او را رعایت کند. قوامیت بیشتر یک وظیفه است تا یک امتیاز. مرد باید تمام تلاش خود را برای خوشبختی و آسایش خانواده خود به کار گیرد. همانطور که در دنیای امروز، نقش‌های زن و مرد در حال تغییر است، می‌توان این مسئولیت‌ها را بر اساس توانایی‌ها و شرایط تقسیم کرد. مهم این است که هر دو طرف با احترام و همکاری، برای ساختن یک زندگی مشترک موفق تلاش کنند. در مجموع، می‌توان گفت که اسلام نه تنها به دنبال تحقیر زن نیست؛ بلکه برای او جایگاه بسیار بالایی قائل است. مسئولیت‌هایی که به مرد داده شده، به معنای برتری او نیست، بلکه به معنای وظایفی است که بر عهده او گذاشته شده تا از خانواده خود محافظت کند و نیازهای آن‌ها را برآورده کند. با درک درست آموزه‌های اسلامی، می‌توان به دیدگاهی عادلانه و متوازن رسید که در آن حقوق و کرامت زن و مرد به طور کامل رعایت شود.

نتیجه‌گیری

فردی با نام مستعار دکتر سُهّا با نوشتن کتاب «نقد قرآن» و انتشار آن در فضای حقیقی و مجازی، با ایجاد شبهاتی، چنین وانمود کرده است که انواع تبعیض‌ها از جمله تبعیض در مورد زنان، در قرآن روا دیده شده است. این مقاله که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سامان یافته، ضمن پاسخگویی به این شبهه، به نتیجه رسیده است که شبهات ایجاد شده توسط سُهّا، اشکال مبنایی داشته و آیات قرآن با هر نوع تبعیض و ناعدالتی مبارزه کرده و برنامه‌ای عادلانه برای بشریت به ویژه در روابط اجتماعی و خانوادگی تبیین کرده است.

با عنایت به تحلیل لغوی واژگان کلیدی، بررسی دیدگاه‌های مختلف مفسران و فقها، و با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر، این پژوهش به رد نظریه "سُها" مبنی بر "سیطره مردان بر زنان" در آیه ۳۴ سوره نساء پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر ارائه شده توسط نظریه سُها، مبتنی بر برداشت‌های نادرست و مغرضانه از متن آیه و سنت نبوی است و با اصول اساسی عدالت، برابری، و کرامت انسانی در اسلام مغایرت دارد. این پژوهش با بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های "قوم" و "قوم"، نشان می‌دهد که این واژه‌ها به معنای "جماعت انسانی" و "برپادارنده و مراقب" هستند و هیچ دلالتی بر "صاحب اختیار بودن" و "سلطه" ندارند؛ بلکه، قوامیت مردان در آیه ۳۴ سوره نساء به معنای مسئولیت‌پذیری، حمایت، و مراقبت از زنان در چارچوب یک رابطه عادلانه و مبتنی بر احترام متقابل است. این مسئولیت، نه تنها شامل تأمین نیازهای مادی زنان می‌شود؛ بلکه ابعاد عاطفی، روانی، و معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

علاوه بر این، با تأکید بر جایگاه ارزشمند و نقش فعال زنان در خانواده و جامعه، نشان می‌دهد که زنان نه تنها "ضعیف و ناتوان" نیستند؛ بلکه از توانمندی‌ها، استعدادها، و قابلیت‌های فراوانی برخوردارند که می‌توانند در عرصه‌های مختلف زندگی به کار گیرند. زنان می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند، به تحصیل و کسب علم بپردازند، به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشغول شوند، و در ساختن یک جامعه عادلانه و پیشرفته سهیم باشند.

در نهایت، با ارائه الگویی نوین برای روابط خانوادگی عادلانه، مبتنی بر اصول مشورت، تفاهم، همکاری، و تقسیم مسئولیت‌ها، به دنبال ایجاد بستری مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای همه اعضای خانواده است. این الگو، بر احترام به حقوق و کرامت زنان، حفظ استقلال و آزادی آنها، و ایجاد فرصت‌های برابر برای پیشرفت و تعالی تأکید دارد. بنابراین، تفسیر سلطه‌گرایانه از آیه ۳۴ سوره نساء با روح اسلام و اصول عدالت و برابری در تضاد است و باید با دیدگاهی نو و مبتنی بر ارزش‌های انسانی مورد بازبینی قرار گیرد.

منابع

قرآن

ابن منظور، محمدبن مكرم، بی‌تا، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، جلد ۱۲.

انصاریان، حسین، ۱۳۸۳ش، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات اسوه.

آمدی، عبدالواحدبن محمد، مصحح: محمدراجایی، غررالحکم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

بدره، محسن؛ میرخانی، عزت السادات؛ و شاکری گلپایگانی، طوبی. (۱۳۹۹). تحلیل و نقد شاکله نظریه تفسیری فضل الرحمن به‌مثابه مبنایی روش‌شناختی برای برخی خوانش‌های زنانه نگر از قرآن کریم. *مطالعات زن و خانواده*، ۸(۲)، صص ۳۵-۹.

<https://doi.org/10.22051/jwfs.2020.23273.1932>

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ۱۳۸۲ش، تهران: دنیای دانش.

جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، محقق: طاهر احمدزای، النهایه فی غریب الحدیث والأثر، قم: اسماعیلیان، جلد ۲.

جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، ۱۳۸۵، نشر اسرا، چاپ ۱۲.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴، صحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم، جلد ۵.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۹، ۲۸ شهریور). بیانات در جلسه با جوانانی که تازه ازدواج کرده بودند. خامنه‌ای دات‌آی آر .
<https://khl.ink/f/۲۱۴۳۱>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه، چاپ اول.

زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ج ۱۷.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۹۹، اساس البلاغه، بیروت: دارصار، چاپ اول.

سها، ۱۳۹۱، نقد قرآن، چاپ اول، بی‌جا، بی‌نا.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد سوم.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۸، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی،

طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، مکارم الاخلاق، قم: چاپ سوم.

علاقه‌بندی، فاطمه؛ و عباسی، مهرداد. (۱۴۰۰). مبانی و پیش‌فرض‌های فضل الرحمن در کتاب مضامین اصلی قرآن، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۴(۲)، صص ۱۸۷-۲۱۱. <https://doi.org/10.30497/quran.2021.239992>

فارس، احمد، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، جلد ۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، قم: مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، جلد ۵.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۴.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۴۳، چاپ دوازدهم.

مطهری، مرتضی، مجله پیام زن، ۱۳۹۶، شماره ۲۶.

نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، جلد ۱۴.

ورام، مسعود بن عیسی، بی‌تا، تنبیه الخواطر ونزهة النواظر، بیروت: مکتبه الفقیه، جلد اول.